

## بررسی عوامل بازدارنده بانوان در استفاده از فضاهای شهری برای گذران اوقات فراغت

### (مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر اصفهان)

احمد خادم‌الحسینی<sup>۱</sup> مجید شمس<sup>۲</sup> ناهیدالسادات میرعنایت<sup>۳\*</sup>

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.

۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.

\*مسئول مکاتبات. پست الکترونیک: nahidmirenayati@yahoo.com

### چکیده

سهم بانوان در اوقات فراغت بسیار کمتر از مردان است و امکانات تفریحی، ورزشی و فراغتی آنان نیز بسیار کمتر و محدودتر می‌باشد. نگرشهای حاکم بر جامعه در خصوص چگونگی گذران اوقات فراغت بانوان تا کنون به صورت سنتی بوده و این مسئله در خصوص بانوانی که خانه‌دار هستند و تصور آنان از جایگاه‌شان تنها در چارچوب خانه و نه چیزی فراتر از آن می‌باشد، نمود بیشتری دارد. این تحقیق با هدف بررسی عوامل محدود کننده بانوان در گذران اوقات فراغت در منطقه ۳ شهر اصفهان انجام شد. برای این منظور جامعه آماری بانوان ساکن منطقه ۳ شهر اصفهان به روش کوکران به صورت توزیع پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون کای اسکوئر و نرم افزار SPSS صورت پذیرفت. نتایج نشان داد که متغیرهای سن، سطح تحصیلات، شغل، تأهل و میزان درآمد در گذران اوقات فراغت بانوان ساکن منطقه موثر می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** بانوان، اوقات فراغت، عوامل بازدارنده، مکانهای فراغتی، منطقه ۳ شهر اصفهان.

## مقدمه

اوقات فراغت یکی از موضوعات مهم گردشگری است که تعاریف متعددی برای آن بیان شده است. فراغت مقوله‌ای نیست که محصول عصر حاضر باشد بلکه از زمان انسان‌های اولیه، اوقات فراغت خود را به شکل تفریح و سرگرمی نشان داده است. امروزه بانوان وظایف متعددی را بر عهده دارند که می‌توان به خانه‌داری، مراقبت از خانواده و فعالیت بیرون از خانه اشاره نمود. همچنین بانوان نقش‌های متفاوتی مانند دختر، مادر، همسر، کارمند و غیره دارند و اختصاص داشتن به هر یک از این وظایف ممکن است فشار و تنش روحی و جسمی در آنها بوجود آورد. غالباً اختصاص زمانی برای گذران اوقات فراغت برای بانوان وجود ندارد زیرا کلیه وظایف خانه بر عهده آنها می‌باشد. این در حالی است که از آنها به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار نام برده شده و بدون مشارکت فعال آنان، توسعه به سرانجام نخواهد رسید. بانوان در سراسر جهان و به ویژه در کشورهای در حال توسعه از نابرابری‌های بسیاری در رنج‌اند و بهبود موقعیت آنها موجب مشارکت اجتماعی بیشتر و در نتیجه پیشرفت جامعه می‌گردد. یکی از پدیده‌های اجتماعی که امروزه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته مسئله حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوقی فردی و معرف‌های نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی سهم بسزایی در احساس عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد (نوروزی و گلپور، ۱۳۹۰). محدودیت‌های حضور بانوان در فضاهای شهری ایران در ارتباط با گذران اوقات فراغت امری مهم و قابل بررسی است.

کشکر و احسانی (۱۳۸۶) در بررسی اهمیت عوامل بازدارنده بانوان تهران از مشارکت در ورزشهای تفریحی به این نتیجه رسید که خصوصیات فردی، ساختاری و بین فردی از عوامل موثر بر عدم مشارکت آنها می‌باشد. رضازاده و محمدی (۱۳۸۸) در مطالعه عوامل محدود کننده حضور بانوان در فضای شهری به این نتیجه رسیدند که محدودیت حضور بانوان به دلیل محدودیت حقوق شهروندی و یا تفاوت‌های زن و مرد نیست بلکه ناشی از ساختار جامعه و عوامل کالبدی و طراحی فضایی است. فلاحی و کلامی (۱۳۸۷) در بررسی تأثیر فضای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان به عواملی نظیر ایجاد احساس امنیت و آسایش روانی و جسمی و محیط کالبدی اشاره نمودند. هاشمی (۱۳۸۵) بیان نمود که عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امکانات بیشترین اثر بازدارندگی را در مشارکت ورزشی بانوان کارمند دارا می‌باشد. رحمانی و همکاران (۱۳۸۵) در ارزیابی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه‌های زنجان با تأکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش به این نتیجه رسیدند که گوش کردن موسیقی، تماشای تلوزیون و هم‌صحبتی با دوستان به ترتیب در اولویت اول تا سوم گذران اوقات فراغت و پرداختن به ورزش در اولویت دهم قرار دارد. زهساز (۱۳۸۵) در بررسی تأثیر انرژی مصرفی اوقات فراغت بر میزان مرگ و میر بانوان به این نتیجه رسید که فقدان فعالیت جسمانی عامل خطر مستقلاً برای بیماری‌های قلبی عروقی است. حسینی و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت بانوان به این نتیجه

رسیدند که آنها عمده زمان اوقات فراغت خود را با صحبت کردن با سایر همجنسان در کوچه و خیابان و تماشای تلویزیون سپری می‌کنند. همچنین مطالعه، ورزش و فعالیتهای اجتماعی کمترین نقش را در گذران اوقات فراغت آنها دارد. احسانی (۱۳۸۲) در بررسی عوامل بازدارنده مشارکت فعالیتهای ورزشی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان به این نتیجه رسید که عوامل بازدارنده بر حسب متغیرهای جنسیت و شرکت در فعالیت ورزشی به ترتیب عبارتند از وقت، علاقه، پول، امکانات، ناآگاهی، مهارت و روابط اجتماعی و عدم آمادگی جسمانی. فکوهی و انصاری مهابادی (۱۳۸۲) در مطالعه اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی به این نتیجه رسیدند که فرصت تفریح و سرگرمی موجب برون‌گرایی و اجتماعی بودن خلاقیت می‌گردد. نیک‌پور و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی نوع و مدت فعالیت فیزیکی بانوان شاغل به این نتیجه رسیدند که از ۱۶/۶۸ ساعت فعالیت اوقات فراغت بانوان در طول هفته، ۹/۱ ساعت صرف فعالیتهای فیزیکی می‌شود. سعیدی (۱۳۸۳) در مطالعه ارتباط فعالیت فیزیکی و تماشای تلویزیون با عوامل خطر ساز قلبی در بانوان شاغل و خانه‌دار به این نتیجه رسید که با توجه به بالا بودن میانگین مدت تماشای تلویزیون در بانوان خانه‌دار نسبت به شاغل و ارتباط آن با BMI، کاهش مدت استفاده از تلویزیون در کنترل چاقی به ویژه در بانوان خانه‌دار موثر است. تندنویس (۱۳۸۱) در بررسی جایگاه ورزش در اوقات فراغت بانوان ایرانی به این نتیجه رسید که میزان اوقات فراغت روزانه آنان ۳/۸ ساعت بوده که تماشای تلویزیون با میانگین ۱۳۲ دقیقه بالاترین فعالیت فراغتی آنان را تشکیل می‌دهد. صفانیا (۱۳۸۰) بیان نمود که بسیاری از افراد بالای ۲۵ سال و متأهل تمایل دارند در اوقات فراغت به ورزشهای در دوران نوجوانی و جوانی بپردازند بدین ترتیب افزایش سن مانع ادامه فعالیت ورزشی و تفریحی آنها نشده است. گراتون و تایس (۱۹۹۱) اظهار داشتند افرادی که به صورت تمام وقت در حال تحصیل می‌باشند، بیشترین میزان شرکت در فعالیتهای ورزشی - تفریحی را دارند. والس (۲۰۰۶) در بررسی نقش اعتقادات مذهبی در مشارکت بانوان در فعالیتهای ورزشی به این نتیجه رسید که بانوان مسلمانانی که به مذهب و سلامت تن در اسلام توجه دارند، بسیار علاقه‌مند به ورزش ادامه می‌دهند. وایلی و همکاران (۲۰۰۰) اظهار داشتند که نظر دیگران در مورد مناسب بودن فعالیتهای ورزشی می‌تواند بر مشارکت بانوان در آن فعالیت موثر باشد به گونه‌ای که فقط بانوان را از فعالیت در زمینه بوکس، فوتبال و هاکی روی یخ منع می‌نماید. ادوبرا و همکاران (۲۰۰۲) بیان نمودند وقتی عوامل بازدارنده اوقات فراغت را بررسی می‌کنیم، بسیار مهم است که تشخیص دهیم چگونه جنس و فرهنگ بر یکدیگر اثر می‌گذارند. مثلاً در برخی از فرهنگها دختران برای شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت اصلاً ترغیب و تشویق نمی‌شوند در حالیکه پسران برای این امور به شدت مورد تشویق قرار می‌گیرند.

این تحقیق مقاله با هدف بررسی عوامل بازدارنده استفاده از فضاهای شهری توسط بانوان، ضرورت و علت عدم حضور آنان را در فضاهای شهری به منظور گذران اوقات فراغت مورد مطالعه قرار می‌دهد.

## مبانی نظری اوقات فراغت

اوقات فراغت را می‌توان مهمترین و دلپذیرترین اوقات بشر دانست. منظور از اوقات فراغت فرصت و زمانی است که انسان عهده‌دار هیچگونه تکلیف یا کاری نیست و زمان در اختیار اوست که پس از به انجام رساندن وظایف روزانه، با میل و رغبت فعالیت یا برنامه خاصی را انتخاب می‌نماید (افروز، ۱۳۷۰). اوقات فراغت به عنوان یک پدیده فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موضوع مشترک تمامی اقشار جامعه می‌باشد. همچنین این اوقات به سبب داشتن ویژگیهای خاص، مورد توجه مسئولین تعلیم و تربیت و امور فرهنگی و روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در این میان نوجوانان و جوانان بیش از سایر اقشار جامعه در کانون توجه قرار دارند اما متأسفانه سالمندان و بازنشستگان به فراموشی سپرده شده‌اند (کوهستانی و خلیل‌زاده، ۱۳۷۸).

در حال حاضر در بیشتر کشورهای جهان برنامه‌ریزی اوقات فراغت به یک فرآیند همگانی و مستمر بدل شده و برای پیشبرد و توسعه آن روشهای متنوعی ابداع گردیده است. برنامه‌ریزی اوقات فراغت از نظر تأمین نیازهای روز افزون تفریح شامل کلیه فعالیتهایی است که معمولاً به طور اختیاری و داوطلبانه یا به منظور برخی از ارزشهای شخصی و اجتماعی، توسط فرد انتخاب می‌گردد. این فعالیتها مختص اوقات بیکاری بوده و هیچ رابطه‌ای با فعالیت اصلی شخص ندارد. ضمناً زمانی که به عنوان قسمتی از خدمات اجتماعی انجام می‌گیرد دارای اهداف مثبت و ثمر بخش برای افراد شرکت کننده و جامعه می‌باشد (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۷۳). کیفیت فضای گذران اوقات فراغت یکی از مهمترین مباحث شهری است که به موازات سایر موضوعات مانند کار، سکونت و حمل و نقل، چگونگی برنامه‌ریزی شهری و کیفیت زندگی شهری را پی‌ریزی می‌نماید. در اوقات فراغت لازم است به نکاتی توجه گردد، نخست آنکه فراغت زمانی است که فرد فعالیتی انجام می‌دهد که همراه با لذت است و دوم آنکه فراغت چیزی است که فرد به انتخاب دلایل شخصی خود انجام می‌دهد که این انتخاب براساس تعاریف متفاوت افراد از فراغت می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد.

## فضای شهری

فضاهای عمومی مکانی برای رفع نیازهای روزمره و زندگی عمومی در شهرها هستند. این فضاها در طول زمان و براساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌یابند. فضاهای شهری همچنین محفلی برای فعالیتهای ضروری و اجباری، اجتماعی و انتخابی می‌باشند. از آنجا که زندگی روزمره در این فضاها صورت می‌گیرد لذا مناسب بودن آنها برای استفاده تمام گروه‌ها موضوعی بسیار مهم است. همچنین تجربه استفاده از فضاهای عمومی برای استفاده کنندگان مختلف با توجه به سن، جنس، طبقه اجتماعی و غیره متفاوت بوده و در نوع زندگی و درک آن نیز موثر است. به عبارت دیگر نیاز به حضور در فضا و ایجاد

امکانات برای کلیه گروهها فارغ از هر گونه متغیری دلیل رویکردی غالب بر افکار مردم در ارتباط با فضاهای نزدیک محل سکونت آنها می‌باشد. فضاهای باز شهری بستر ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان می‌باشند. حضور مثبت افراد در چنین فضاهایی سبب ارتقاء سطح تعاملات اجتماعی و حس تعاون و شهروندی می‌گردد. از دلایل اهمیت این فضاها می‌توان به امکان برقراری روابط و برخوردهای اجتماعی اشاره نمود.

### عوامل محدود کننده بانوان در فضاهای شهری

عوامل متعددی بانوان را در فضاهای شهری محدود می‌نمایند که عوامل کالبدی، طراحی فضا و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از آن دسته هستند. به طور کلی ساخت شهرها به وسیله مردان صورت می‌پذیرد و به همین دلیل نیازهای مردان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. آنچه ماهیت جنسی فضای شهر نامیده می‌شود را می‌توان در نحوه عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک پذیری بانوان مشاهده نمود که این محدودیت به لحاظ فیزیکی با القاء الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس دسترسی ایشان را محدود می‌نماید.

### امنیت، مسئله حیاتی برای بانوان

برخی از فضاهای شهری از عوامل اصلی تهدید کننده امنیت شهرها محسوب می‌شوند. این فضاها چندان قابل رویت نبوده و به همین دلیل فضاهای دنج و مطمئنی برای فعالیت‌های غیر مجاز و ناهنجار محسوب می‌گردند. زیرپله‌های شهری، زیرگذرها و پلهای هوایی مواردی از فضاهای بدون دفاع در شهرها هستند از طرفی مکان‌هایی نیز وجود دارند که در آنها احساس امنیت و راحتی تجربه می‌شود این مکان‌ها در برگیرنده موقعیت‌های روستایی و سنتی هستند و در آنها افراد با یکدیگر روابط نزدیکی دارند (تیبالدز، ۱۳۸۵). در یک محیط شهری غیبت مردم ممکن است در بهترین حالت، محیط دل‌تنگ و بی رونقی را پدید آورد و در بدترین حالت، تهدید و وحشت از سرگردانی و تنهایی خصوصاً برای بانوان را ایجاد نماید. امنیت ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت و سازهای شهری دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین کننده امنیت و فضای نامناسب از بین برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، محلات ناامن، شهرهای با معماری صرفاً مردانه همگی از عوامل تهدید کننده امنیت شهری و اجتماعی محسوب می‌گردند. امروزه امنیت از شاخصه‌های کیفی زندگی در شهرهاست و آسیب‌های اجتماعی از مهمترین پیامدهای عدم امنیت به شمار می‌روند. در این میان فضاهای شهری از جمله مؤلفه‌هایی هستند که ناهنجاریهای اجتماعی در بستر آنها به وقوع می‌پیوندد. مسلماً در فضاهای شهری مشکلات بیشتری به بانوان تحمیل می‌شود مثلاً آنان نمی‌توانند آزادانه به هر فضایی وارد شده و از آن استفاده نمایند. در کشور ما به دلیل مسئله حجاب و شرایط فرهنگی، بانوان نمی‌توانند از فضاهای عمومی

ورزشی استفاده کنند البته به تازگی پارکهای اختصاصی برای بانوان ایجاد شده اما آنها غالباً خواهان استفاده از فضاهای شهری به همراه خانواده خود می‌باشند. یکی از راههای برقراری امنیت، مداخلات کالبدی در فضاست و البته مهمتر از کالبد هر مکانی روح غالب بر آن مکان است که ناشی از روابط اجتماعی و مردمی است یعنی کالبد بر رفتارها و رفتارها بر نحوه استفاده از کالبد تأثیرگذار است. منطقه‌بندی کاربریها یا تعیین مقررات استفاده از زمین یکی از موضوعات مهم شهرسازی است. ایجاد تنوع در فعالیتها و کاربریهای مختلط علاوه بر کمک به سرزندگی و جاذبه‌های فضای شهری می‌تواند به امنیت فضاها برای بانوان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر کمک کند (ضابطیان و رفیعیان، ۱۳۸۷).

### ایجاد احساس امنیت روانی و جسمی

یکی از شرایط لازم در فضاهای باز شهری برای بهبود عملکرد و تسهیل بروز رفتارهای مناسب در اوقات فراغت، وجود امنیت و آسایش جسمی و روانی برای استفاده کنندگان از آن محیط کالبدی می‌باشد به گونه‌ای که این محیط با دارا بودن این شرایط در سطوح مختلف روانی تأمین کننده رفتارهای خاص در افراد است و همساختی رفتار و محیط را تأمین خواهد نمود. از آن جایی که بروز هر نوع رفتار از انسان، نتیجه تفکرات و مسائل روانی و احساسی اوست لذا وجود امنیت در یک فضای شهری به عنوان قرارگاه رفتاری، امکان بروز رفتارها و فعالیت‌های مثبت همراه با احساس آرامش و لذت را در فرد میسر می‌نماید (فلاح و کلامی، ۱۳۸۷).

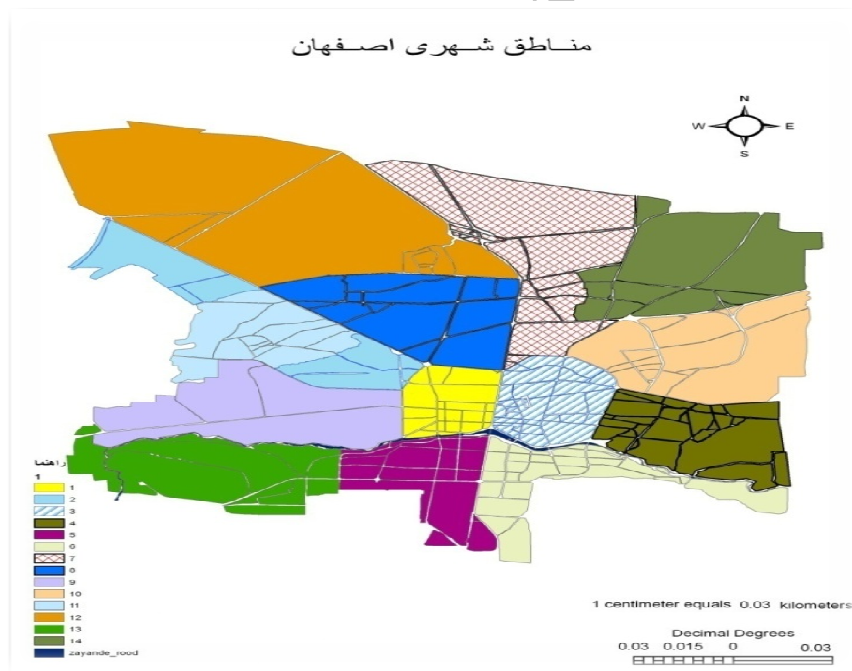
### ایجاد احساس لذت، رضایتمندی و تعلق

کیفیت طراحی فضاهای باز شهری به عنوان یک قرارگاه رفتاری برای اوقات فراغت، نقش مهمی در میزان رضایتمندی افراد دارد. چگونگی گذران اوقات فراغت براساس دیدگاه، توقعات و انتخاب افراد متفاوت است. اما آنچه که در اکثر افراد مشترک است توجه به لذت و بهره‌مندی از این اوقات است. احساس لذت زمانی اتفاق خواهد افتاد که فرد به حد نسبی از آسایش جسمی و روحی رسیده و فارغ از امور مقید کننده باشد. بنابر این توجه به این مهم در فضاهای باز شهری برای اوقات فراغت ضروری است و این امر محقق نخواهد نشد مگر اینکه طراحی فضاها با توجه به موقعیت اجتماعی و سنی افراد و براساس علائق، خواسته‌ها و فعالیت‌های جاری افراد انجام شود و همساختی بین فضاهای باز شهری (محیط کالبدی) و رفتارهای انسان به وجود آید. به عبارت دیگر در این فضاها رابطه‌ای سازگار بین رفتار افراد و مکان ایجاد می‌شود. به عنوان مثال وجود فضاهای مخصوص بازی، ورزش و امور فرهنگی هر کدام به نوعی بخشی از نیازهای افراد در گروه‌های مختلف را برآورده می‌کنند. احساس لذت از یک فضا باعث ایجاد ارتباط مؤثر بین فضا و شخص می‌شود به طوری که شخص احساس تعلق کرده و تمایل وی به استفاده و حضور در محیط بیشتر می‌شود. عامل مهم دیگری که در طراحی فضاهای باز شهری مؤثر است، توجه به زمان استفاده

از فضاها و عملکرد مناسب بخش‌های مختلف آنها به عنوان قرارگاه‌های رفتاری خرد است به طوری که این قرارگاه‌های رفتاری باید متناسب با زمان استفاده از آنها طراحی شوند تا در زمان‌های متناسب بهترین عملکرد را به استفاده‌کنندگان ارائه نمایند.

## روش تحقیق

این تحقیق با هدف بررسی عوامل محدود کننده بانوان در گذران اوقات فراغت در منطقه ۳ شهر اصفهان انجام شد. برای این منظور جامعه آماری بانوان ساکن منطقه ۳ شهر اصفهان به روش کوکران به صورت توزیع پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون کای اسکوتر و نرم افزار SPSS صورت پذیرفت. منطقه ۳ شهر اصفهان از شمال به خیابان سروش و آیت الله مدرس، از جنوب به رودخانه زاینده رود، از شرق به خیابان بزرگمهر و از غرب به خیابان چهار باغ عباسی محدود می‌شود. مساحت این منطقه براساس آمار طرح بازننگری سال ۱۳۸۷ برابر ۱۱۸۰/۹ هکتار بوده و جمعیت ساکن در آن ۱۱۲۰۰ نفر می‌باشد (شکل ۱).



شکل ۱: نقشه موقعیت منطقه ۳ شهر اصفهان

## نتایج

### تحلیل آزمون بین متغیرهای فردی و فراغتی

جداول ۱ الی ۵ ضریب همبستگی بین متغیرهای فردی و فراغتی را با استفاده از آزمون کای اسکوتر

نشان می‌دهند.

جدول ۱: ضریب همبستگی کای اسکوتر برای سن با اوقات فراغت

۱	۰/۳۲۰	۲۴	۲۶/۶۶۶	انجام فعالیتهای ورزشی	
۳	۰/۱۳۰	۱۶	۲۲/۴۳۳	استفاده از مجموعه های ورزشی	
۶	۰/۶۹۰	۴	۲/۲۵۲	استفاده از مکان های مذهبی	
۴	۰/۵۲۰	۲۰	۱۶/۰۳۱	استفاده از فرهنگ سراها	
۲	۰/۳۳۶	۲۴	۲۶/۳۴۳	استفاده از کتابخانه های عمومی	
۵	۰/۷۹۲	۱۶	۱۱/۲۸۱	رفتن به سینما یا تئاتر	

جدول ۲: ضریب همبستگی کای اسکوتر برای میزان تحصیلات با اوقات فراغت

۲	۰/۰۵۶	۶	۱۲/۲۹۰	انجام فعالیتهای ورزشی	
۴	۰/۰۴۹	۴	۹/۶۵۱	استفاده از مجموعه های ورزشی	
۶	۰/۹۱۳	۱	۰/۰۱۲	استفاده از مکان های مذهبی	
۱	۰/۰۰۱	۵	۱۹/۵۹۰	استفاده از فرهنگ سراها	
۵	۰/۱۸۰	۶	۸/۸۹۵	استفاده از کتابخانه های عمومی	
۳	۰/۰۲۵	۴	۱۱/۱۱۸	رفتن به سینما یا تئاتر	

جدول ۳: ضریب همبستگی کای اسکوتر برای شغل با اوقات فراغت

۱	۰/۰۸۷	۶	۱۱/۰۶	انجام فعالیتهای ورزشی	
۲	۰/۰۲۸	۴	۱۰/۸۴۴	استفاده از مجموعه های ورزشی	
۶	۰/۹۴۱	۱	۰/۰۰۶	استفاده از مکان های مذهبی	
۴	۰/۴۰۹	۵	۵/۰۵۶	استفاده از فرهنگ سراها	
۳	۰/۴۳۹	۶	۵/۸۶۱	استفاده از کتابخانه های عمومی	
۵	۰/۵۲۸	۴	۳/۱۸۱	رفتن به سینما یا تئاتر	



جدول ۴: ضریب همبستگی کای اسکوئر برای تأهل با اوقات فراغت

انجام فعالیتهای ورزشی	۲۱/۰۵۲	۲۴	۰/۶۳۶	۵
استفاده از مجموعه های ورزشی	۳۰/۴۱۰	۱۶	۰/۰۱۶	۳
استفاده از مکان های مذهبی	۴/۱۱۵	۴	۰/۳۹۱	۶
استفاده از فرهنگ سراها	۳۶/۹۸۶	۲۰	۰/۰۱۲	۲
استفاده از کتابخانه های عمومی	۲۴/۸۷۸	۲۴	۰/۴۱۲	۴
رفتن به سینما یا تئاتر	۵۵/۲۶۳	۱۶	۰	۱

جدول ۵: ضریب همبستگی کای اسکوئر برای میزان درآمد با اوقات فراغت

انجام فعالیتهای ورزشی	۱۱/۰۶	۶	۰/۰۸۷	۱
استفاده از مجموعه های ورزشی	۱۰/۸۴۴	۴	۰/۰۲۸	۲
استفاده از مکان های مذهبی	۰/۰۰۶	۱	۰/۹۴۱	۶
استفاده از فرهنگ سراها	۵/۰۵۶	۵	۰/۴۰۹	۴
استفاده از کتابخانه های عمومی	۵/۸۶۱	۶	۰/۴۳۹	۳
رفتن به سینما یا تئاتر	۳/۱۸۱	۴	۰/۵۲۸	۵

### بحث و نتیجه گیری

به طور کلی سازمانهای متولی امور موظفند با توجه به وجود تفاوت در بین سلايق شهروندان، پيش از برنامه ريزی به شناسایی خواسته ها و تمایلات غالب جامعه هدف توجه نمایند و برنامه ريزی خود را با خصوصیات جامعه مطابقت داده تا فرآیند برنامه ريزی آنان در طولانی مدت پاسخگوی نیازهای انسانها باشد. از آنجایی که هر نوع تصمیم گیری، حاصل برداشتهای اجتماعی - فرهنگی است لذا برنامه ريزان می بایست شناخت و بینش کاملی از وضعیت بانوان داشته باشند. آگاهی از نحوه گذران اوقات فراغت آنان باعث دستیابی به نیازهای واقعی آنها شده و به برنامه ريزان کمک می نماید با توجه به خواست و نیاز آنان برنامه ريزی نمایند.

نتایج نشان داد استفاده از مجموعه های ورزشی، فرهنگسرا و رفتن به سینما یا تئاتر با میزان تحصیلات رابطه معنی دار دارند و سایر متغیرها مستقل از تحصیلات می باشند. همچنین استفاده از مکانهای مذهبی با شغل ارتباط معنی دار داشته و سایر متغیرها مستقل از شغل هستند. استفاده از مجموعه های ورزشی، فرهنگسرا و رفتن به سینما و تئاتر با تأهل رابطه معنی دار داشته و سایر متغیرها مستقل از تأهل می باشند. استفاده از مجموعه های ورزشی با میزان درآمد رابطه معنی دار دارند و سایر متغیرها مستقل از درآمد هستند.

## منابع

- ۱- احسانی، م. ۱۳۸۲. بررسی عوامل بازدارنده مشارکت فعالیتهای ورزشی دختران دانشجو. پایاننامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- ۲- افروز، غ.ع. ۱۳۷۰. هنگامه‌های فراغت زمینه‌ساز بهداشت روانی و بستر خلاقیت‌ها. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان آموزش و پرورش.
- ۳- تندنویس، ف. ۱۳۸۱. جایگاه ورزش در اوقات فراغت بانوان ایرانی. طرح پژوهشی سازمان پژوهشهای علمی کشور.
- ۴- تیبالدز، ف. ۱۳۸۵. شهرهای انسان محور (ترجمه حسن علی لقای و فیروزه جدلی). انتشارات تهران.
- ۵- حسینی، م. رحیمی، ل. آجرلو، ز. مجیدی، ز. و روزبھانی، ن. ۱۳۸۵. بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت در بین بانوان منطقه تحت پوشش پایگاه تحقیقاتی جمعیتی دکتر محمد قریب شهر اراک. مجله تحقیقات جمعیتی.
- ۶- رحمانی، ا. پوررنجبر، م. و بخشی‌نیا، ط. ۱۳۸۵. بررسی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاههای زنجان با تأکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، سال پنجم، شماره سوم.
- ۷- رضازاده، ر. و محمدی، م. ۱۳۸۸. بررسی عوامل محدود کننده حضور بانوان در فضاهای شهری. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۳۸.
- ۸- زهساز، ف. ۱۳۸۵. تأثیر انرژی مصرفی اوقات فراغت و غیر فراغت بر میزان مرگ و میر بانوان. فصلنامه المپیک، سال چهاردهم، شماره ۴.
- ۹- سعیدی، م. ۱۳۸۳. ارتباط فعالیت فیزیکی و تماشای تلویزیون در اوقات فراغت با عوامل خطر ساز قلبی در بانوان شاغل و خانه‌دار. فصلنامه بهبود، سال هشتم، شماره چهارم.
- ۱۰- سعیدی‌رضوانی، م. ۱۳۷۳. شهرداری‌ها و اوقات فراغت شهروندان. انتشارات گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- ۱۱- صفانیا، ع.م. ۱۳۸۰. نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاههای آزاد اسلامی کشور. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- ۱۲- ضابطیان، ا. و رفیعیان، م. ۱۳۸۷. درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی. جستارهای شهرسازی، شماره ۲۴-۲۵.
- ۱۳- فکوهی، ن. و انصاری‌مهابادی، ف. ۱۳۸۲. اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی (مطالعه موردی: دو دبیرستان دخترانه شهر تهران). فصلنامه انسان‌شناسی، سال اول، شماره چهارم.
- ۱۴- فلاح، م.ص. و کلامی، م. ۱۳۸۷. تأثیر فضای باز شهری بر کیفیت اوقات فراغت شهروندان. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۲.

- ۱۵- کشکر، س. و احسانی، م. ۱۳۸۶. بررسی اهمیت عوامل بازدارنده بانوان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی. فصلنامه مطالعات بانوان، شماره ۲.
- ۱۶- کوهستانی، ح.ع. و خلیلزاده، ع.ا. ۱۳۷۸. پژوهش در اوقات فراغت و راههای بهره‌وری از آن. انتشارات تیهو.
- ۱۷- نوروزی، ف.ا. و گلپور، م. ۱۳۹۰. بررسی میزان احساس برخورداری بانوان از حقوق شهروندی و عوامل موثر آن. فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹.
- ۱۸- نیک‌پور، ص. حاجی‌کاظمی، ا. و حقانی، ح. ۱۳۸۴. بررسی نوع و مدت فعالیت فیزیکی بانوان شاغل در حیطه‌های شغلی و اوقات فراغت در دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران. مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- ۱۹- هاشمی، ه. ۱۳۸۵. بررسی عوامل بازدارنده مشارکتی ورزشی بانوان کارمند و ارائه راهکارهای موثر در این زمینه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- 20-Adubra, E., Linda L., Caldwell, D., Adubra, L. and Edward, A.S. 2002. Youth Capacity Building in Rural Togo: A Community Analysis. Technical report submitted to the Children, Youth, and Families Consortium. The Pennsylvania State University, University Park, PA, USA.
- 21-Gratton, C. and Tice, A. 1991. The Demands for Sport: A Two Stage Econometric Model Using the 1977 General Household Survey. Discussion paper, Department of Economics, Manchester Polytechnic, Manchester, England.
- 22-Walseth, K. 2006. Young Muslim Women and Sport: The Impact of Identity Work. Leisure Studies, 25(1): 75-94.
- 23-Wiley, C., Shaw, S.M. and Havitz, M.E. 2000. Men's and Women's Involvement in Sports: An Examination of the Gendered Aspects of Leisure Involvement. Leisure Sciences, 22(1): 19-31.